

دلیل وصی، و اوهام مدعی

مناظره‌ای میان دو پاسخ درباره خلقت زمین

پاسخ «سید احمدالحسن یمانی موعود» و پاسخ مدعی اعلمیت «محمد صرخی»

جلد اول

تهیه و تنظیم

انصار امام مهدی (عج)

مترجم

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی (عج)

دلیل وصی و اوہام مدعی، جلد اول	نام کتاب
حجة الوصی و أوہام المدعی، الجزء الأول	نام کتاب اصلی
انصار امام مہدی <small>علیہ السلام</small>	نویسنده
گروه مترجمان انتشارات انصار امام مہدی <small>علیہ السلام</small>	مترجم
اول	نوبت انتشار
۱۴۰۲	تاریخ انتشار
۴۳۲ق / ۲۰۱۱م	تاریخ انتشار کتاب اصلی
۳۶	کد کتاب
اول	ویرایش ترجمه

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک سید احمد الحسن علیہ السلام به تارنماهای زیر مراجعه نمایید.

www.almahdyoon.co

www.almahdyoon.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

۷	این کتاب
۹	تقدیم
۱۱	مقدمه
۱۳	پاسخ محمود صرخی از کتابش
۱۳	آفرینش زمین
۱۳	پرسش
۱۴	پاسخ صرخی
۱۶	توضیح
۲۵	پاسخ سید احمد الحسن <small>علیه السلام</small> وصی و فرستاده امام مهدی <small>علیه السلام</small>

این کتاب

عبارت است از مناظره‌ای میان پاسخ سید احمدالحسن علیه السلام وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام با پاسخ محمود صرخی که ادعای اعلم بودن دارد؛ و این پس از آن بود که همه از مناظره با سید احمدالحسن علیه السلام امتناع کردند. پس ما بر آن شدیم تا:

بحث محمود صرخی را درباره «آفرینش زمین» کلمه به کلمه جمع‌آوری کنیم؛

و توضیحات «شیخ حیدر زیادی» را درباره پاسخ محمود صرخی به پرسش از «آفرینش زمین» بر آن بیفزاییم.

همچنین پاسخ همان سؤال و آیات را نیز از کتاب متشابهات جلد چهارم صفحه ۱۲۷ تا ۱۳۷ نوشته سید احمدالحسن علیه السلام به دنبال آن بیاوریم تا خواننده محترم بتواند پاسخ سید احمدالحسن علیه السلام را با پاسخ محمود صرخی مقایسه کند.

انصار امام مهدی علیه السلام

(خداوند در زمین تمکینش دهد)

اول ذی‌حجه ۱۴۲۶ ق

تقدیم

به بندگان واقعی و راستین خدا...

به اولیای خدا، آشکارا و صادقانه...

به جانشینان خدا؛ همانان که خداوند با آنها برای ملائکه استدلال نمود...

به انبیای خدا، و فرستادگانش، و اوصیایشان از آدم تا آخرین مهدی...

به آن صبرپیشگان بر بلاها در «جنب الله»...

به آنان که توسط مردم یاری نشدند... و توسط خدا یاری شدند...

به آن رسواکنندگان شیطان... و یاریگران امر رحمان

ثواب این سطرها را تقدیم می‌کنم؛

و از خدا می‌خواهم مرا تسلیم شده بمیراند؛

و با سرورانم و سروران انبیا و مرسلین، محمد و آل محمد علیهم‌السلام محشور فرماید

مقدمه

کسی که خواهان حق است ناگزیر باید از عبادت بت‌ها خلاص شود، و با قلبی خالی از هرگونه شرک و تمایل به عبادت بت‌های بشری متوجه عبادت خدا گردد. ممکن نیست ایمان و کفر به‌شکلی راستین و صادقانه- هم‌زمان در قلب جمع شوند؛ پس او باید ابتدا به طاغوت کافر شود و سپس به خدا ایمان بیاورد: ﴿فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ﴾ (پس هرکس به طاغوت کفر ورزد، و به خدا ایمان آورد).

پس هرگاه انسان از تمامی قیود شرک خود را رها و با قلبی خالی از قید و بندهای احساسی و متعصبانه به خدا رو کند، و واقع‌گرایانه حق را طلب کند، میزان و ملاک او این سخن ائمه علیهم‌السلام خواهد بود که فرموده‌اند: «حق را بشناس تا اهل آن را بشناسی.»^۱

چند سالی است از دعوت سید احمدالحسن علیه‌السلام گذشته است، و در طول این مدت در عرصه علمی، پاسخ‌هایی درباره بعضی از آیات قرآنی که از سید احمدالحسن علیه‌السلام پرسیده شده، آمده است؛ از جمله سؤالی درباره چگونگی آفرینش زمین. همین سؤال از محمود صرخی نیز - که ادعای اعلیٰ علمیت دارد- پرسیده شده است. این بنده فقیر بر آن شدم تا هر دو پاسخ را در یک کتابچه گرد بیاورم تا مقایسه این دو پاسخ برای جوینده حق دشوار نباشد؛ تا حقیقت روشن شود، و تا پاسخی که براساس توهّمات ارائه شده از پاسخی که مبتنی بر قرآن ارائه شده است بازشناخته شود.

حق تعالی می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ

۱. بقره: ۲۵۶.

۲. بحار الانوار: ج ۴۰ ص ۱۲۶.

۱۲.....انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) دلیل وصی، و اوهام مدعی درباره خلقت زمین

وَأَخْرَجُ مُتَشَابِهَاتٍ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿۱﴾ (اوست کسی که این کتاب را بر تو فرو فرستاد. پاره‌ای از آن آیات محکم‌اند؛ آن‌ها اساس کتاب‌اند؛ و پاره‌ای دیگر متشابهات‌اند [که تأویل‌پذیرند]. اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است برای فتنه‌جویی و طلب تأویل آن از متشابهش پیروی می‌کنند، با آنکه تأویلش را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند؛ همان‌ها که می‌گویند «ما به آن ایمان آوردیم، همه از جانب پروردگار ماست»؛ و جز خردمندان متذکر نمی‌شود).

شیخ حیدر زبیدی

۲۹ ذی قعدة ۱۴۲۶ق

پاسخ محمود صرخی از کتابش

بحث تفسیر: آفرینش زمین و محتویاتش در قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

آفرینش زمین

حق تعالی می‌فرماید: ﴿قُلْ أَنتَکُمْ لَتَکْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ
أُنْدَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ * وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِي مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي
أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ... * فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا
وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾^۱ (بگو آیا شما به کسی که زمین
را در دو روز آفرید کفر می‌ورزید، و برای او همتایانی قرار می‌دهید؟! همو که پروردگار
جهانیان است. * و در آن بر بالایش لنگرهای [کوه‌هایی استوار] پدید آورد، و در آن منافع
فراوانی آفرید، و رزق را در آن در چهار روز تقدیر کرد، درست و متناسب برای خواهندگان...
* پس هفت آسمان را در دو روز به انجام رساند، و در هر آسمانی امرش را وحی کرد، و
آسمان دنیا را با چراغ‌هایی آراستیم، و محافظت کردیم. این است تقدیر آن شکست‌ناپذیر
توانا).

پرسش

از سیاق آیات کریم متوجه می‌شویم خداوند سبحان و متعال زمین را در دو روز آفرید و
اوقات آن را در چهار روز مقدر فرمود.

و آن معبود سبحان هفت آسمان را با تمام ساکنان و اوقاتش در دو روز آفرید؛ و ما می‌دانیم در آسمان دنیا، خداوند ستاره‌هایی را آفرید که تعدادشان به میلیاردها ستاره می‌رسد، و نیز کهکشانی‌هایی که به میلیون‌ها می‌رسد، و این به‌غیر از عوالم موجود در آن و در دیگر آسمان‌های شش‌گانه است.

چرا آفرینش زمین به‌تنهایی دو روز را به خود اختصاص داد، و اوقات موجود در آن چهار روز، درحالی‌که آفرینش بقیه آسمان‌ها و اجرام آسمانی بیش از دو روز لازم نداشته است؟

پاسخ صرخی

بسمه تعالی:

خداوند به علت‌ها و حکمت‌های آن آگاه است، و برای شما و ما اشکالی ندارد که به نکاتی در این خصوص توجه داشته باشیم:

۱. اول: در این آیه شریف اشاره‌ای به خلقت ساکنان آسمان‌ها و تقدیر روزی‌هایشان وجود ندارد. سیاق آیه به مدت آفرینش قرار گرفتن کوه‌ها و پر برکت گرداندنشان و تقدیر روزی‌هایشان اشاره دارد؛ اما در خصوص آسمان‌ها، به مدت آفرینش و قضای آن‌ها اشاره شده است، و مدت دیگری که به غیر آن اشاره داشته باشد ذکر نشده است. این برحسب ظاهر تفسیر است، و چیزی است که می‌رساند، حتی اگر به شکل یک طرح و احتمال بوده باشد.

۲. دوم: احتمال دارد اطلاق «دو روز» در این آیات و دیگر آیات- اشاره به مقطعی از زمان باشد (که البته همین روز شناخته‌شده زمینی نیست)؛ و این مقطع زمانی شامل حادثه‌ای از حوادث بوده باشد. پس منظور و مقصود، مقطع زمانی یا حادثه‌ای است

که در آن اتفاق افتاده است؛ و این فرمایش حق تعالی گواهی برای این احتمال است:

﴿وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾^۱ (و ما این روزها را میان مردم می گردانیم).

۳. سوم: که از نکتۀ دوم ناشی می شود؛ اینکه شاید «دو روز» به این معنا باشد که زمین در طول خلقت و ساخته شدنش از دو مرحله یا دو حالت متغیر گذر کرده است؛ مثل حالت مایع و حالت جامد، یا حالت گازی و حالت جامد.

۴. چهارم: ما باید تفسیر زمین و معانی احتمالی گفته شده درباره آن را در نظر داشته باشیم، و همچنین تفسیر آسمان و طرح های محتمل را درباره معانی اش.

۵. پنجم: باید توجه داشت بیشتر تفسیرها اشاره می کنند به اینکه روزهای ذکر شده در آیه شامل دو روز برای آفرینش زمین است؛ پس تقدیر اوقات و چیزهای دیگر در دو روز انجام می شود.

اینجا بحث «محمود صرخی» مربوط به «آفرینش زمین» تمام می شود و بنده کلمه به کلمه آن را نقل کردم.

نکته: سؤال کننده به اشتباه گفته «اوقات، و اوقاتیها: اوقات، و اوقات آن» ولی درست همانی است که در آیه آمده است «أَفْوَاتِهَا: روزی هایش»؛ و محمود صرخی نیز بدون اینکه توجه داشته باشد این اشتباه او را در نکتۀ پنجم دنبال کرده است: «پس تقدیر اوقات». به هر حال ما این را یک اشتباه چایی به حساب می آوریم و از آن چشم می پوشیم.

توضیح

پس از اطلاع از پرسش اول از کتاب محمود صرخی «آفرینش زمین و چیزهای روی آن در قرآن» - که نیمه اول این کتابچه‌ای است که روی جلدش اشاره کرده بحثی تفسیری است - درباره پرسشی که به آفرینش زمین اختصاص یافته است باید به نکات زیر توجه داشت:

اول: محمود صرخی گفته است:

«اول: در این آیه شریف اشاره‌ای به خلقت ساکنان آسمان‌ها و تقدیر روزی‌هایشان وجود ندارد. سیاق آیه به مدت آفرینش قرار گرفتن کوه‌ها و پر برکت گرداندنشان و تقدیر روزی‌هایشان اشاره دارد؛ اما در خصوص آسمان‌ها، به مدت آفرینش و قضای آن‌ها اشاره شده است، و مدت دیگری که به غیر آن اشاره داشته باشد ذکر نشده است. این برحسب ظاهر تفسیر است، و چیزی است که می‌رساند، حتی اگر به شکل یک طرح و احتمال بوده باشد.»

می‌گوییم: اینکه در فرمایش این آیات کریم اشاره‌ای وجود ندارد - اگر منظور فقط اشاره بوده باشد صحیح نیست؛ اما اگر منظور محمود صرخی تصریحی واضح و مفصل به امور جزئی باشد در این صورت شخص سؤال‌کننده نیاز نداشت از صرخی سؤال بپرسد. آیه تقدم حضور می‌شود: ﴿فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ (پس هفت آسمان را در دو روز به انجام رسانید، و در هر آسمانی امرش را وحی کرد، و آسمان دنیا را با چراغ‌هایی آراستیم، و محافظت کردیم. این است تقدیر آن شکست‌ناپذیر توانا).

﴿فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ﴾: در اینجا به آفرینش و به پایان رساندن خلقت هفت آسمان اشاره شده است. فرموده خداوند متعال «قضاهن: آفریدن» است نه «قضائهن: قضا و سرنوشت آن‌ها» که از «قضاء» می‌آید به آن صورتی که محمود صرخی گمان کرده و نوشته است.... و بنده نمی‌دانم محمود صرخی از کجا این همزه را آورده و قبل از نون قرار داده

است تا کلمه «قضاهن» در قرآن را به «قضائهن» تبدیل کند!

﴿وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا﴾: این یک آیه است و چند آیه نیست تا محمود صرخی از آن غافل شده باشد. آیا پیش از آنکه پاسخ دهد از خود پرسیده است؟ با وجود اینکه این آیه ذکر کرده امر هر آسمان به آن وحی شده است، و تمامی آن‌ها در دو روز به پایان رسیده‌اند. این آیه بسیار واضح و روشن است. پس تناقض‌گویی و سرگردانی واضح در سخنان محمود صرخی آشکار می‌شود:

«و مدت دیگری که به غیر آن اشاره داشته باشد ذکر نشده است. این برحسب ظاهر

تفسیر است.»

بلکه طبق تفسیر ظاهری، این دو روز، آفرینش آسمان‌ها و امرشان را شامل می‌شود، نه فقط آفرینش آسمان‌ها را.

﴿وَرَبَّنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾: آسمان دنیا انتهای آسمان‌هاست (یعنی آسمان ما)، و با ستارگان آراسته شده است؛ و این آخرین - یعنی زینت دادن و آراستن - نهایت کار است؛ یعنی خداوند متعال بعد از اینکه آسمان‌ها را آفرید و خلقت و روزی‌ها و زینت‌هایشان را به پایان رساند، و آن‌ها را طبق تقدیر خداوند عزوجل محافظت نمود؛ یعنی این حفاظت موجود بوده اما فعال نبوده است تا اینکه محمد ﷺ مبعوث شد. هرکس کوچک‌ترین اطلاعی از هر تفسیری از قرآن داشته باشد می‌داند آسمان از کسانی که دزدیده به سخنان گوش می‌دادند محافظت نمی‌شد مگر بعد از بعثت محمد ﷺ؛ با وجود اینکه این محافظت به‌عنوان یک «امر» (قوت) موجود و مخلوق بوده، و این آیه آن را ذکر کرده است: ﴿فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنٍ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَرَبَّنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ (پس هفت آسمان را در دو روز به انجام رسانید، و در هر آسمانی امرش را وحی کرد، و آسمان دنیا را با چراغ‌هایی آراستیم، و محافظت کردیم. این است تقدیر آن شکست‌ناپذیر توانا).

می‌گوییم: «آیا این محافظت جزو دو روز بوده است یا نبوده است؟» درحالی که همه این کارها در دو روز انجام شده است.

با توجه به اینکه مضمون سؤالی که سؤال کننده از محمود صرخی پرسیده چنین بوده است: «چرا آفرینش زمین در چهار روز، و آسمان در دو روز بوده است؟»

می‌بینیم محمود صرخی چیزی که به سؤال کننده سودی برساند در نکته اول پاسخ نمی‌دهد؛ بلکه خواننده را از سؤالش دور کرده و درباره چیزی که پرسیده، پاسخی نداده است، و این نکته‌ای است که در بیشتر پاسخ‌های او دیده می‌شود. این نکته را در نظر داشته باشید و خودتان در ادامه آن را ببینید.

دوم: محمود صرخی گفته است:

«دوم: احتمال دارد اطلاق «دو روز» در این آیات و دیگر آیات اشاره به مقطعی از زمان باشد (که البته همین روز شناخته شده زمینی نیست) و این مقطع زمانی شامل حادثه‌ای از حوادث بوده باشد. پس منظور و مقصود، مقطع زمانی یا حادثه‌ای است که در آن اتفاق افتاده است؛ و این فرمایش حق تعالی گواهی برای این احتمال است:

﴿وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾ (و ما این روزها را میان مردم می‌گردانیم).

می‌گوییم: هیچ پاسخی در این گفته وی «مقطعی از زمان است» وجود ندارد. ای خواننده محترم، به پاسخ وی مراجعه کن؛ آیا متوجه یک پاسخ منطقی برای این سؤال می‌شوی؟

و سؤال این بوده: چرا آسمان در دو روز و زمین در چهار روز آفریده شده است؟

آیا منظور محمود صرخی از «روز آسمانی» مثلاً با متر (یعنی مقیاس بزرگ) بوده و چهار روز زمین با سانتی متر (یعنی مقیاس کوچک) بوده است؟ یا به نظر شما چه چیز دیگری بوده است؟!

درحالی که این آیه کریم تفاوتی میان روزها دو روز و چهار روز- قائل نمی‌شود، با

صرف نظر از اینکه منظور از «روز» زمینی بوده باشد یا چیز دیگری.

آیه‌ای که محمود صرخی به آن استدلال کرده این فرموده حق تعالی است: ﴿وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَّوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾ (و ما این روزها را میان مردم می‌گردانیم) و آیه کامل عبارت است از: ﴿إِنْ يَمَسُّكُمْ فَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَّوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾^۱ (اگر به شما آسیبی رسیده، آن قوم را نیز آسیبی نظیر آن رسیده است؛ و این روزها را ما میان مردم [به نوبت] می‌گردانیم [تا آنان پند بگیرند]، و خداوند آنان را که ایمان آورده‌اند معلوم بدارد، و از میان شما گواهانی بگیرد؛ و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد).

این آیه به روزهای حکمرانی و دست به دست شدن آن‌ها در میان مردم تا زمان دولت قائم علیه السلام اشاره می‌کند، و همچنین شاهد گرفتن کسانی که در طول زمان ایمان آورده‌اند، و این‌ها همان حجت‌های الهی هستند؛ همان‌طور که در روایات آمده است که زمین از حجت خدا خالی نمی‌شود. پس آیه‌ای که محمود صرخی به آن استدلال کرده از این موضوع به دور است؛ یعنی از موضوع متفاوت بودن «روز» از نظر خدا - از جمله روزهای خلقت - از همین روز شناخته‌شده زمینی.

وقتی بنده گفته‌های این جناب مرجع اعلم را خواندم یکی از دوستانم کنارم بود که چندان دست به قلم نبود. به او گفتم با کدام آیه می‌توان استدلال کرد روزهایی که خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید با روز زمینی فرق دارد. و آن دوستم که در نوشتن مهارت چندانی نداشت گفت: این فرموده حق تعالی؛ و مضمون این آیه را گفت: ﴿تَعْرِجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ﴾^۲ (فرشتگان و روح، در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است به سوی «او» بالا می‌روند) و شخص دیگری که در آنجا حاضر بود گفت:

۱. آل عمران: ۱۴۰.

۲. معارج: ۴.

۲۰..... انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) دلیل وصی، و اوهام مدعی درباره خلقت زمین

﴿... وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ﴾ (و... در حقیقت یک روز نزد پروردگارت مانند هزار سال است از آنچه می‌شمردید).

گفتم ای کاش «جناب مرجع اعلم» قبل از پاسخ‌گویی از این دوست من مشورت می‌گرفت. این مطلبی که او گفت برای استدلال برای متفاوت بودن روزهای آفرینش آسمان‌ها و زمین به‌معنی همین روز زمینی شناخته‌شده. از این فرموده حق تعالی: ﴿وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَّوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾ (و ما این روزها را میان مردم می‌گردانیم) مناسب‌تر است. جناب مرجع اعلم محمود صرخی می‌خواسته موضوعی را به ذهن متبادر کند: اینکه روزهای خدا همانند روزهای مردم نیست ... اما تعبیرش به وی خیانت نمود ... آیا این طور نیست؟!

سوم: محمود صرخی گفته است:

«سوم: که از نکته دوم ناشی می‌شود؛ اینکه شاید «دو روز» به این معنا باشد که زمین در طول خلقت و ساخته شدنش از دو مرحله یا دو حالت متغیر گذر کرده است؛ مثل حالت مایع و حالت جامد، یا حالت گازی و حالت جامد.»

می‌گویم: آیا جناب مرجع اعلم محمود صرخی از خودش پرسیده است، یا قبل از اینکه این احتمال را برای زمین که برای دو روز (دو حالت متغیر) مطرح کند اندکی در آیه کریم دقت کرده است؟! و اگر آیه چهار روز را ذکر می‌کرد باز هم برای درخواست‌کنندگان یکسان بود. ای درخواست‌کنندگان «خداوند درباره این روزها می‌فرماید یکسان هستند؛ یعنی برابر هستند» و هیچ مغایرتی ذکر نکرده است. پس محمود صرخی اعلم این مغایرت را از کجا آورده است؟ ﴿... وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلنَّاسِ لِيُنظَرُوا﴾ (و رزق و روزی‌هایشان در چهار روز تقدیر کرد، درست و متناسب برای خواهندگان).

طرح و پیشنهاد محمود صرخی برای هفت آسمان چیست، درحالی‌که با زمین در یک

سؤال آمده است؟ آیا آسمان‌ها نیز از حالت مایع یا جامد گذر کرده‌اند؟ یا آسمان‌ها فقط از یک حالت گازی به حالت گازی دیگر گذر کرده‌اند؟! یا چیز دیگری است؟ و آیا جناب مرجع اعلم این دو حالت متغیری را که آسمان‌ها از آن گذر کرده‌اند برای ما توضیح داده است؟

چهارم: محمود صرخی گفته است:

«چهارم: ما باید تفسیر زمین و معانی احتمالی گفته‌شده درباره آن را در نظر داشته باشیم، و همچنین تفسیر آسمان و طرح‌های محتمل را درباره معانی اش.»

می‌گویم: سؤال‌کننده از علت آفرینش آسمان‌ها در دو روز و آفرینش زمین در چهار روز سؤال می‌کند. چه چیزی مانع جناب مرجع اعلم شده است که درباره این معانی و نظریات و ارتباط آن‌ها با سؤال توضیح دهد؟! یا محمود صرخی از این معانی آگاهی ندارد و آن‌ها را همچنان مبهم رها کرده، و از سؤال‌کننده خواست کرده است درباره آن‌ها در منابع دیگر جست‌وجو کند؟ یا معنایی وجود دارد در حالی که هیچ ارتباطی به سؤال ندارند، پس جناب مرجع اعلم از اینکه آن‌ها را ذکر کند شرم کرده است؟! زیرا آن‌ها بر پوچی پاسخ می‌افزایند!

پنجم: محمود صرخی گفته است:

«پنجم: باید توجه داشت بیشتر تفسیرها اشاره می‌کنند به اینکه روزهای ذکرشده در آیه شامل دو روز آفرینش زمین است؛ پس تقدیر اوقات و چیزهای دیگر در دو روز انجام می‌شود.»

می‌گویم: این مطلب در «منتخب‌التبیان» موجود است، و این نظر نگارنده تفسیر بوده است. اگر آفرینش زمین در دو روز و روزی‌هایش در چهار روز و آسمان‌ها در دو روز انجام شده باشد در این صورت تعداد روزها هشت روز می‌شد؛ اما شایسته‌تر است مرجع اعلم و برتر و فقیه‌تر و هوشمندتر، محمود صرخی از این فرمایش حق تعالی گواهی آورد: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا

۲۲.....انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) - دلیل وصی، و اوهام مدعی درباره خلقت زمین

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ ﴿١﴾ (و به راستی ما آسمانها و زمین و هر آنچه را میان آن هاست در شش روز آفریدیم؛ و هیچ رنج و خستگی به ما نرسید).

یا این فرمایش: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...﴾^۲ (اوست آن کس که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید...).

یا این فرمایش: ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...﴾^۳ (خدایی که آسمانها و زمین و آنچه را میان آن هاست در شش روز آفرید...).

یا این فرمایش: ﴿الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...﴾^۴ (همان که آسمانها و زمین و آنچه را میان آن دو هست در شش روز آفرید...).

یا این فرمایش: ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...﴾^۵ (و اوست که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید...).

یا این فرمایش حق تعالی: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...﴾^۶ (یقیناً پروردگار شما خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید...).

می گویم: شایسته تر بود محمود صرخی آیات را به عنوان گواه بیاورد، به جای اینکه بگوید در بسیاری از تفسیرها آمده است آسمانها و زمین در شش روز آفریده شدند؛ و بنده گمان نمی کنم وی نداند $۶ = ۴ + ۲$ است.

۱. ق: ۳۸.

۲. حدید: ۴.

۳. سجده: ۴.

۴. فرقان: ۵۹.

۵. هود: ۷.

۶. یونس: ۳.

این نیازی به شاهد گرفتن گفته تفسیرکننده غیرمعصوم ندارد، درحالی که او انسانی است که گاهی درست می گوید، و چه بسا نادرست بگوید، و فرمایش خداوند سزاوارتر است به اینکه به عنوان گواه آورده شود؛ اما اینکه وی نظرات اصحاب تفسیرها را به عنوان گواه مطرح می کند و از فرموده خداوند در کتاب کریمش روی می گرداند به این دلیل است که قلبش از این فرمایش حق تعالی نوشانده شده است: ﴿وَأَشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إيمَانُكُمْ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۱ (و بر اثر کفرشان، [مهر] گوساله در دل هاشان نوشانده شد. بگو اگر مؤمن هستید، پس ایمانتان شما را به بد چیزی فرمان می دهد).

سؤال کننده در نیمه اول سؤالش دچار توهم شده؛ یعنی در اینکه پرسیده «چرا آفرینش زمین به تنهایی در دو روز، و روزی های موجود در آن در چهار روز مقدر شده است، درحالی که آفرینش آسمان های دیگر و اجرام آسمانی بیش از دو روز را به خود اختصاص نداده است؟» دو روز + چهار روز + دو روز = هشت روز؛ و این اشتباهی واضح است.

اما چه شد؟

بحث تمام شد، درحالی که ما نه در معنای دور و نه نزدیک به پاسخ کافی و شافی دست نیافتیم، و محمود صرخی «آب را سعی می کند با آب توضیح دهد»^۲ و خواسته است آن ها را توضیح دهد ولی مبهم ترش کرده است، و می خواسته ابرویش را درست کند ولی چشمش را هم کور کرده است!

۱. بقره: ۹۳.

۲. «فسر الماء بعد الجهد بالماء»: ضرب المثل معروفی است که نسل ها نقل شده است. داستان این ضرب المثل به دوران باستان بازمی گردد؛ زمانی که پادشاهی، دانشمندی را احضار کرد تا به او توضیح دهد آب چیست و اگر نتوانست توضیح بدهد عقوبت بدی در انتظارش خواهد بود؛ و به معنای تلاش برای انجام کاری است که بی فایده است یا نتایج متفاوت و ضدونقیضی دارد. (مترجم)

۲۴.....انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) - دلیل وصی، و اوهام مدعی درباره خلقت زمین

سپاس و ستایش از آن خداست، که بنده اش را یاری نمود، سپاهیانش را عزت بخشید، و به تنهایی احزاب را هزیمت کرد.

بار دیگر مضمون پرسش این پرسشگر را برای خواننده یادآور می‌شوم: «چرا آفرینش زمین به تنهایی در دو روز و روزی‌های موجود در آن در چهار روز بوده است، در حالی که آفرینش آسمان‌های هفت‌گانه و آسمان دنیا و آراستن و محافظت آن در دو روز بوده است؟» و پرسشگر به دنبال جواب است ... ای محمود صرخی!

برای مقایسه پاسخ سید احمد الحسن (علیه السلام) با پاسخ محمود صرخی، برای خواننده گرامی پاسخ سید احمد الحسن (علیه السلام) را از کتاب متشابهات، ج ۴، ص ۱۲۷ تا ۱۳۷ کلمه به کلمه نقل می‌کنم، و استاد ضیاء زیدی نیز برایش پانویست نوشته است.

پاسخ سید احمد الحسن علیه السلام وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام

متشابهات، ج ۴، ص ۱۲۷ تا ۱۳۷:

پرسش ۱۷۵:

حق تعالی می فرماید: ﴿قُلْ أَيْنَكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَ تَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ * وَ جَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَ بَارَكَ فِيهَا وَ قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ * ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ * فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَ أُوحِيَ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرها وَ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَ حِفْظاً ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾^۱ (بگو آیا این شما هستيد که به آن کس که زمین را در دو روز آفریده است کفر می‌ورزید و برای او همتیانی قرار می‌دهید؟ او که پروردگار جهانیان است * و در زمین از فراز آن، لنگرهای پدید آورد و آن را پربرکت ساخت و رزق و روزی‌هایش را در چهار روز معین نمود، درست و متناسب برای همه خواهندگان * سپس به آسمان پرداخت در حالی که «آن» دودی بود. پس به آسمان و زمین گفت: چه بخواهید و چه نخواهید، بیایید. گفتند: فرمانبردار آمدیم * آنگاه هفت آسمان را در دو روز پدید آورد و در هر آسمانی، امرش را به آن وحی نمود، و آسمان این دنیا را با چراغ‌ها بیاراستیم و محفوظش بداشتیم. این است تدبیر آن پیروزمند دانا). چرا مدت آفرینش زمین و تعیین رزق‌های آن چهار روز به طول انجامید، ولی آفرینش آسمان‌ها دو روز؟! با اینکه آسمان‌ها بزرگ‌تر و عظیم‌تر است؟!)

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين
و سلم تسليماً

حق تعالی می فرماید: ﴿قُلْ إِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَ تَجْعَلُونَ لَهُ أَندَاداً ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ (بگو آیا این شما هستید که به آن کس که زمین را در دو روز آفریده است کفر می ورزید و برای او همتیانی قرار می دهید؟ او که پروردگار جهانیان است): زمین را در یک روز آفرید و روزی هایش را در یک روز؛ پس زمین را با آنچه از جمادات در آن وجود دارد در یک روز و آنچه را از موجودات زنده (گیاهان و حیوانات) بر روی زمین است نیز در یک روز خلق نمود.

و حق تعالی می فرماید: ﴿وَ جَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيًّ مِنْ فَوْقِهَا وَ بَارَكَ فِيهَا وَ قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سِوَاءَ لِلسَّائِلِينَ﴾ (و در زمین از فراز آن، لنگرهایی پدید آورد و آن را پربرکت ساخت و رزق و روزی هایش را در چهار روز معین نمود، درست و متناسب برای همه خواهندگان).

﴿وَ جَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيًّ﴾ (و در آن لنگرهایی قرار داد): منظور، کوههاست و آنها در زمره روز اول در این عالم جسمانی هستند؛ یعنی اینها (کوهها) در آن (در زمین) متجلی شد از بالای آن (یعنی از آسمان). آنچه از کوهها بر سطح زمین ظاهر است، یعنی قسمت بالای کوهها، بسیار کمتر است از آنچه است که در درون زمین مخفی است. بیش از دوسوم کوه در دل زمین مخفی است و از همین رو از آنها به ﴿رواسی﴾ (لنگرها) تعبیر کرده است؛ یعنی باعث استوار شدن زمین می گردد و

گویی میخ‌هایی برای زمین است که آن را تثبیت می‌کند: ﴿وَالْجِبَالُ أَوْتَادًا﴾^۱ (و کوه‌ها را همچون میخ‌هایی)؛ یعنی سطح زمین را ثابت نگه داشته و آن را از اینکه با حرکت مستمر و دائمی درون زمین در جنبش باشد بازمی‌دارد. حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صَنَّ اللَّهُ الَّذِي أَنْتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ﴾^۲ (و کوه‌ها را می‌بینی و آن‌ها را بی حرکت می‌پنداری و حال آنکه مانند ابر درگذرند. [این] صنع خداست که هرچیزی را استوار ساخته است. قطعاً او به آنچه انجام می‌دهید آگاه است)؛ یعنی کوه‌ها در حرکت‌اند، ولی همراه با حرکت زمین، و در نتیجه مانع از آن می‌شوند که سطح زمین دچار اختلال، و از درون آن جدا شود؛ از همین رو حرکت زمین موزون و متعادل است.

﴿وَبَارَكْ فِيهَا﴾ (و آن را پربرکت ساخت): منظور، آب است: برکت نازل شده از آسمان، که در ضمن روز اول در این عالم جسمانی بوده است. ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^۳ (اگر مردم شهرها ایمان آورده و پرهیزگاری پیشه کرده بودند برکاتی از آسمان و زمین را به رویشان می‌گشودیم، ولی [فرستادگان] را تکذیب کردند؛ ما نیز به کیفر کردارشان مؤاخذه‌شان کردیم).

﴿وَوَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ﴾ (و رزق و روزی‌هایش را در چهار روز معین نمود، درست و متناسب برای همه خواهندگان): به این عالم جسمانی فقط دو روز اختصاص داشته است: روز زمین و آب، و روز جانداران (گیاه و حیوان).

۱. نبأ: ۷.

۲. نمل: ۸۸.

۳. اعراف: ۹۶.

و این سخن حق تعالی ﴿أَرْبَعَةَ أَيَّامٍ﴾ (چهار روز) از آن جهت است که کوهها در عالم جسمانی، صرفاً ظهوری برای آسمان کلی است، که آنها کوهها و لنگرهای هستی هستند.

و این سخن حق تعالی ﴿مِنْ فَوْقِهَا﴾ (از بالایش) یعنی آسمان که (زمین) در آن تجلی یافت.

﴿وَبَارِكْ فِيهَا﴾ (و آن را پُربرکت ساخت): برکت در عالم جسمانی، آب است، و جز این نیست که ظهوری برای برکت آسمانهای شش گانه است؛ و برکت در آسمان، علم است.

پس اینها دو مقوله هستند: ﴿وَجَعَلَ فِيهَا زَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا﴾ (و در زمین از فراز آن، لنگرها (کوهها) پدید آورد) و ﴿وَبَارِكْ فِيهَا﴾ (و آن را پر برکت ساخت): اینها دو روز برای آسمان هفتم کلی، و آسمانهای شش گانه مثالی به شمار می روند.

﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ * فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَ أَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَ حِفْظًا ذَلِكِ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾^۱ (سپس به آسمان پرداخت درحالی که «آن» دودی بود. پس به آسمان و زمین گفت: چه بخواهید و چه نخواهید، بیایید. گفتند فرمان بردار آمدیم * آنگاه هفت آسمان را در دو روز مقرر داشت، و در هر آسمانی، امرش را به آن وحی نمود و آسمان این دنیا را با چراغها بیاراستیم و محفوظش بداشتیم. این است تدبیر آن پیروزمند دانا).

﴿فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ﴾ (آنگاه هفت آسمان را در دو روز مقرر

داشت): منظور آسمان هفتم کلی و آسمان‌های شش‌گانه پایین‌تر از آن و نیز آسمان جسمانی است (زمین به معنای وسیع‌ترش که شامل تمامی اجرام و ستارگان است).

آسمان هفتم را در یک روز، ملکوت را در یک روز، و آسمان اجسام را در یک روز آفرید و امر هر آسمان را در یک روز به آن وحی نمود.

در یک روز امر آسمان هفتم، در یک روز امر آسمان‌های ملکوتی و در یک روز امر مُلک را وحی نمود.

یعنی این‌ها (آسمان‌ها و زمین‌ها) در دو روز کامل شدند: یک روز برای آفرینش، و یک روز برای امر.

﴿وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا﴾ (و آسمان این دنیا را با چراغ‌ها بیاراستیم و محفوظش بداشتیم): این به دنبال روز اول زمین بود؛ زیرا آسمان دنیا به دو آسمان تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از «آسمان مثالی نخست» و «آسمان جسمانی دنیا». این دو از یک نظر یک آسمان به شمار می‌روند؛ به جهت ارتباط آسمان اول با عالم جسمانی، که ارتباط تدبیری مستقیم است. اما دو آسمان نیز به شمار می‌روند؛ چراکه اولی، ملکوت اجسام است. از هر دوی این‌ها به آسمان دنیا تعبیر می‌شود؛ زیرا آسمان اول، ملکوت اجسام است و این دو به‌طور کامل با یکدیگر در هم تنیده‌اند.

نفس‌ها در آسمان اول هستند و بدن‌ها را در آسمان دنیا تدبیر می‌کنند؛ آیا بین نفس انسان و بدنش جدایی و انفصالی می‌یابی؟! و در عین حال می‌گوییم: آیا بین نفس انسان و بدنش تفاوتی مشاهده می‌کنی؟!

از آنچه گذشت درمی‌یابیم روزها شش تا هستند و عبارت‌اند از:

- آسمان هفتم در یک روز آفریده شد، و روزی آن (امر آن) در یک روز.

- آسمان‌های شش‌گانه در یک روز آفریده شد، و روزی آن (امر آن) در یک روز.
- زمین (و به همراهش عالم جسمانی) در یک روز آفریده شد، و روزی آن در یک

روز.

یا نور و امرش در دو روز آفریده شد، مثال (ملکوت) و امرش در دو روز آفریده شد، و مُلک (اجسام) و روزی‌هایش در دو روز آفریده شد؛ و ترتیب آفرینش‌ها حتماً از بالا به پایین است؛ چراکه ملکوت، تجلی و ظهور نور است؛ و به همین ترتیب... لازم است دقت شود آسمان اول، حد نهایی آسمان دنیاست؛ یعنی آسمان دنیا در این عالم جسمانی آغاز می‌شود و به نخستین عالم ملکوتی روحانی خاتمه می‌یابد؛ یا به این معنا که نهایت آن، حلقه اتصال است و نهایت آن یا حلقه اتصال، آسمان اول است. در زیارت جامعه آمده است: «... و حجت‌های خدا بر اهل دنیا و آخرت و اولی....»^۱

و در قرآن آمده است: ﴿وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾^۲ (اوست خدایی که معبودی جز او نیست. ستایش خاص اوست، چه در این جهان و چه در جهان دیگر؛ و فرمان، فرمان اوست و همگان به او بازگردانده می‌شوید) و نیز حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ﴾^۳ (شما از پیدایش نخست آگاهید؛ پس چرا به یادش نمی‌آورید؟).

در اولی، دو عالم وجود دارد: ذر و رجعت (بازگشت)، و در آن نفس‌ها قرار دارند. همان‌طور که پیامبر خدا ﷺ فرموده است خداوند سبحان و متعال از هنگامی که

۱. مفاتیح الجنان: ص ۶۲۰.

۲. قصص: ۷۰.

۳. واقعه: ۶۲.

عالم اجسام را آفریده، به آن ننگریسته است.^۱ منزلگاه کار و عمل مجدّانه از پایان عالم اجسام - که پایان آسمان دنیاست - آغاز می‌شود، و این پایان، همان آسمان اول است.

حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا فُوقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَ مَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ﴾^۲ (و بر فراز سرتان هفت راه بیافریدیم، و از این خلقت، غافل نبوده‌ایم). هفت راه، آسمان‌های هفت‌گانه است، از آسمان اول (آسمان اولی) تا آسمان هفتم، و آسمان جسمانی دنیا جزو آن‌ها نیست؛ چراکه این آسمان بالای سر ما قرار ندارد بلکه محیط بر ماست (و ما درون آن هستیم) و این آسمان «پایین ما، بالای ما و در تمامی جهات زمین» قرار دارد. ﴿يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ﴾^۳ (از تو به شتاب عذاب می‌طلبند، حال آنکه جهنم بر کافران احاطه دارد). در ادامه برای شما روشن خواهد شد چرا این آیه را اینجا آورده‌ام.

و این یعنی اگر آسمان‌ها به این تفصیل شمارش شود هشت تا خواهد بود، نه هفت تا! اصولاً دنیای جسمانی جزو آن به حساب نمی‌آید؛ زیرا جزئی از آسمان دنیاست با هرآنچه در آن است، از آسمان اول و آسمان جسمانی. بنابراین اگر اولی یا دنیا نام برده شود، در ضمن آن قرار می‌گیرد؛ چراکه جزئی از آن و پیرو و تابع آن است.

آسمان جسمانی یک بار «زمین» به شمار می‌رود و یک بار «آسمان دنیا»؛ زیرا قسمت مرئی آن است. در آسمان جسمانی، زمین و حتی تمام زمین‌های هفت‌گانه

۱. در تفسیر سوره فاتحه از ملاصدرا آمده است: رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «خداوند از زمانی که عالم جسدها را

خلق کرد به آن نگاه نینداخته است.»

۲. مؤمنون: ۱۷.

۳. عنکبوت: ۵۴.

قرار دارد و در هفتمین زمین «جهنم» قرار دارد. همان طور که بهشت در آسمان دوم است؛ اما در آسمان اول «بهشت زمینی» یافت می شود که همان بهشت آدم است؛ زیرا آسمان اول همان طور که پیش تر بیان داشتیم بخشی از آسمان دنیاست که ملکوت آن نیز هست.

از علی بن ابراهیم از پدرش از احمد بن محمد بن ابونصر از حسین بن میسر روایت شده است: از اباعبدالله درباره بهشت آدم (علیه السلام) سؤال کردم، فرمود: «بهشتی از بهشت های دنیا بود که در آن خورشید و ماه طلوع می کنند، که اگر از بهشت های آخرت بود به هیچ وجه از آن خارج نمی شدند.»^۱

﴿وَزَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا﴾ (و آسمان این دنیا را با چراغها بیاراستیم و محفوظش بداشتیم): چراغها، انبیا، فرستادگان و اوصیا (علیهم السلام) هستند که پیروانشان را با تعالیم و اخلاق الهی که به مردم می آموزند از وسوسه شیطان حفظ می کنند و ظهور آنها در آسمان جسمانی، در قالب ستارگان و خورشیدهای درخشان است. چه بسیار است تاریکی در آسمان و چه اندک است ستارگان در قیاس با بخش تاریک؛ به همین صورت در زمین چه اندک هستند پیامبران و چه بسیارند کسانی که با آنها مخالفت ورزیدند، جنگ کردند، از آنها روی گرداندند و یاری شان ننمودند! همواره اندک، پیامبران، اوصیا و انصار آنهایند؛ درست مانند کم بودن ستارگان در آسمان جسمانی.

در نهایت حرکت فلک اعظم (منظورم قوس نزول است) و آغاز بالا رفتن آن به سمتی دیگر، تبدیل شدن این عالم جسمانی به جحیم آغاز خواهد شد و این عالم شعله ور می گردد. مجازات کسانی که زخرف و زر و زیور دنیا را برگزیدند و به خاطر آن خداوند را عصیان کردند بازگشتشان به همان چیزی است که خود انتخاب کرده اند،

یا همان باقی ماندن آن‌ها در آن خواهد بود؛ چراکه جهنم با عملکرد، کردار و ظلم و ستم آن‌ها مشتعل خواهد شد.

اکنون مناسبت آیه پیشین برای شما روشن شده است: ﴿يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ﴾ (از تو به شتاب عذاب می‌طلبند، حال آنکه جهنم بر کافران احاطه دارد).

در ابتدای صعود قوس نزول، «عالم رجعت» آغاز می‌شود، که این، عالمی دیگر و امتحانی دیگر است برای کسانی که ایمان خالص، و کسانی که کفر خالص داشته‌اند. عالم رجعت با پایان زمامداری مهدی دوازدهم علیه السلام آغاز می‌شود؛ و او همان قائمی است که حسین علیه السلام بر او خروج می‌کند.^۱

و اما این سخن حق تعالی: ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ* فَفَضَّاهُنَّ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَ أُوحِيَ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرُهَا وَ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَ حِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ (سپس به آسمان پرداخت درحالی که «آن» دودی بود. پس به آسمان و زمین گفت: چه بخواهید و چه نخواهید، بیایید. گفتند فرمان‌بردار آمدیم* آنگاه هفت آسمان را در دو روز پدید آورد و در هر آسمانی، امرش را به آن وحی نمود و آسمان این دنیا را با چراغ‌ها بیاراستیم و محفوظش بداشتیم. این است تدبیر آن پیروزمند دانا)؛ ممکن است کسی که آن را می‌خواند گمان برد «ثُمَّ» بر «پس از آن»

۱. این حدیثی است که سید علیه السلام به آن اشاره می‌فرماید: علی بن ابوحزوه بطائنی بر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام وارد شد و به او عرض کرد: آیا شما امام هستید؟ امام فرمود: «آری.» به او گفت: از جدتان جعفر بن محمد شنیدم که می‌فرمود: امامی نیست مگر اینکه فرزندی دارد. امام علیه السلام فرمود: «شیخ! فراموش کرده‌ای یا خودت را به فراموشی زده‌ای؟! جعفر علیه السلام چنین نفرمود، بلکه فرمود: امامی نیست مگر اینکه فرزندی دارد، به‌جز آن امامی که علی بن حسین علیه السلام بر او خروج می‌کند؛ که او نسلی ندارد.» به ایشان عرض کرد: راست گفتی فدایت شوم! فرمایش جد شما را به همین صورت شنیدم. (بحار الانوار: ج ۲۵ ص ۲۵۱)

دلالت دارد؛ یعنی پس از اینکه زمین را آفرید و روزی هایش را در آن معین نمود... سپس به آسمان پرداخت...

ولی در حقیقت به چنین مطلبی دلالت ندارد؛ بلکه «تُمَّ» در اینجا به مفهوم «توبیخ و سرزنش» با عطف به مضمون کلی آیه است، و به طور خاص به آفرینش زمین دلالت ندارد؛ یعنی معطوف به مفهوم توبیخ در آیات پیشین است: ﴿قُلْ أَنتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ...﴾ (بگو آیا این شما هستید که به آن کس که زمین را در دو روز آفریده است کفر می‌ورزید...). پس معنای آیه در اینجا چنین است: سپس آیا او همان نیست که به آسمان پرداخت... پس چگونه به او کافر می‌شوید؟!

توجه داشته باشید در این آیه اخیر، از آسمان و زمین سخن به میان آمده است. حق تعالی می‌فرماید: ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا﴾ (سپس به آسمان پرداخت درحالی که «آن» دودی بود. پس به آسمان و زمین گفت: چه بخواهید و چه نخواهید، بیایید). اگر زمین پیش از آن خلق شده بود، معنای اینکه آن را دوباره بیافریند چیست ﴿اِئْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا﴾ (چه بخواهید و چه نخواهید، بیایید)؟! بلکه در اینجا منظور، توضیح مطلب به شکلی دیگر و از جهتی دیگر است؛ چراکه در آیات پیشین ﴿قُلْ أَنتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ...﴾ (بگو: آیا این شما هستید که به آن کس که زمین را در دو روز آفریده است کفر می‌ورزید...) نعمت‌هایی را که خداوند سبحان و متعال تمام کرده به تفصیل بیان داشته است و در این آیات ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ...﴾ (سپس به آسمان پرداخت...) بیانی برای چگونگی و کیفیت آفرینش وجود دارد؛ یا بیانی برای این آیه ﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (چون بخواهد چیزی را بیافریند فرمانش این است که می‌گوید موجود شو، پس موجود می‌شود).

این مراحل، یعنی آفرینش آسمان هفتم، سپس آسمان‌های شش‌گانه، سپس عالم اجسام حتماً باید با همین ترتیب و تسلسل صورت گرفته باشد؛ چراکه برخی بر

برخی تکیه دارند. آفرینش آسمان‌های شش‌گانه پیش از هفتمی امکان‌پذیر نیست؛ چراکه آن‌ها (یعنی آسمان‌های شش‌گانه) از آسمان هفتم خلق شده‌اند؛ و خلقت اجسام بدون خلقت آسمان‌های شش‌گانه ناممکن است؛ زیرا آن‌ها از آسمان‌های شش‌گانه خلقت یافته‌اند و حتی درباره آسمان اولی (نخستین) -به‌طور خاص- با آن (یعنی با اجسام) در هم تنیده است، و آسمان اول، همان عالم ذر و عالم رجعت است. پس از خلق شدنمان در عالم ذر از آن به عالم اجسام داخل شدیم و از عالم اجسام به آن در عالم رجعت (بازگشت) خارج خواهیم شد؛ این قوس نزول است که سه رکن دارد همان‌طور که قوس صعود سه رکن دارد و به این ترتیب شش (رکن) حاصل می‌شود که همان «زره داوود»، زره انبیا و زره اوصیاست.

اما روزهای شش‌گانه برای آفرینش، به‌معنای روزهای زمان‌دار زمینی نیست؛ بلکه نشان‌دهنده مراحل، و به‌معنای شش مرحله است. این مراحل ضروری است و چاره‌ای از آن‌ها نیست. در مرحله نخست خلقت نور و امر آن گریزناپذیر است؛ و سپس ملکوت و امر آن، سپس اجسام و روزی‌هایش؛ چراکه هر مرحله متکی به مرحله پیش از خودش است. بنابراین، این مراحل شش‌گانه حتمی است؛ یعنی حتماً باید روز اول (مرحله نخست) می‌بوده تا آسمان هفتم خلق شود، و در روز دوم (مرحله دوم) امر آن خلقت می‌یافته؛ چراکه امرش از آن خلق شده است، و حتماً باید یک مرحله پس از آن بیاید. سپس از آن (آسمان هفتم) و از امرش، مثال (ملکوت) آسمان‌های شش‌گانه آفریده شد تا آسمان اول (که پایان آسمان دنیا است) و پس از آن در ملکوت، امرش آفریده شد؛ زیرا از آن خلقت یافته است. بنابراین در روز سوم ملکوت و در روز چهارم امر آن آفریده شد؛ زیرا ملکوت بر خلقت آسمان هفتم (روز اول) و امر آن (روز دوم) متکی است؛ پس به‌طور حتم خلقت ملکوت در مرحله سوم و سپس خلق امر آن در چهارمین مرحله بوده است؛ چراکه به آن متکی است و از آن خلق شده است.

روز پنجم و ششم هم به همین ترتیب هستند؛ یعنی خلقت عالم اجسام یا کیهان جسمانی یا زمین (به معنای وسیعش) که زمینی که ما رویش هستیم و همچنین تمام ستارگان و خورشیدها را شامل می‌شود. سپس در آن روزی‌اش خلق می‌شود؛ چراکه از آن خلقت یافته است. گیاه از زمین خلق شد و روی آن می‌روید و حیوان از زمین خلق شده است و روی آن زندگی می‌کند و می‌خورد.

این شش روز یا شش مرحله حتمی است و خلقت به ترتیب، به آن‌ها نیاز دارد. پایین دست به بالادست نیازمند و محتاج است. بنابراین اجسام (مُلک) یا عالم شهادت نیازمند ملکوت، و ملکوت به نور (آسمان کلی) محتاج و نیازمند است. یا به عبارت دیگر: همهٔ آن در دو روز خلق شده است، همان‌طور که خدای متعال فرموده است: ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ * فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَ أُوحِيَ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا﴾ (سپس به آسمان پرداخت درحالی که «آن» دودی بود. پس به آسمان و زمین گفت: چه بخواهید و چه نخواهید، بیایید. گفتند: فرمان بردار آمدیم * آنگاه هفت آسمان را در دو روز پدید آورد و در هر آسمانی، امرش را به آن وحی نمود).

چراکه آسمان هفتم و امر آن در دو روز خلق شد و بقیه از آن خلقت یافتند و حتی تجلی و ظهور آن هستند و آنچه در آسمان هفتم حکم رانده شود، در ملکوت حاصل می‌شود و آنچه در ملکوت حاصل شود، در مُلک نتیجه می‌دهد. رؤیایی که شما می‌بینید و در عالم اجسام به دست می‌آید چیزی نیست جز آنچه در ملکوت حاصل شده و پس از آن در این عالم جسمانی به دست می‌آید.

پایان کلام سید احمد الحسن (علیه السلام).

می‌گوییم: اکنون تفاوت میان دو پاسخ برای خوانندهٔ محترم روشن گردید.

والحمد رب العالمین